©2015 DAZCo, *Danesh Afarand Zistagen Co., IRAN*
ISSN: 2228-5849 *Bimonthly of Education Strategies in Medical Sciences 2015;8(1):43-49*

Relationship of Using the Basic Skills of Teaching and Improvment of the Students' Academic Performance; Lamerd Nursing Faculty

ARTICLE INFO

Article Type
Descriptive Study

Authors
Hashemi S.A.* *PhD*

How to cite this article
Hashemi S.A. Relationship of Using the Basic Skills of Teaching and Improvment of the Students' Academic Performance; Lamerd Nursing Faculty. Education Strategies in Medical Sciences. 2015;8(1):43-49.

ABSTRACT

Aims Development of professional skills of teachers is a key factor in improving the professional performance of teachers and students educational turnover. The aim of this study was to investigate the relationship between the use of basic skills of teaching and improving students' academic performance in Lamerd School of Nursing.

Instrument & Methods In this descriptive correlational research, All 95 students who were studying at the School of Nursing, Lamerd State University, Iran, during 2013-14 academic year were entered the study by census method. The instrument was a questionnaire designed by the researchers that its validity and reliability were confirmed. Data were analyzed using descriptive statistics (frequency, percentage, and cumulative percentage charts) and inferential statistics (Pearson correlation coefficient, independent T test and ANOVA).

Findings A significant relationship was observed between the use of basic skills of teaching and academic performance of nursing (p=0.001). There was also a significant correlation between the past, during and after teaching skills and students' academic performance (p=0.001). The opinion of students from various semesters was significantly different about the use of basic skills of teaching by teachers (p=0.001).

Conclusion Academic performance of students improves by increasing of teachers' basic skills of teaching.

Keywords Teaching; Education; Students, Nursing

CITATION LINKS

[1] The impact of the family's social and cultural capital on the ... [2] The relationship between primary school teachers' professional ability and ... [3] Stereotype threat, state anxiety, and specific self-efficacy as predictors of ... [4] A theoretical review of wine and had ... [5] School-based curriculum: Bases, challenges and ... [6] Academic motivation in self-efficacy, task value, achievement Goal ... [7] Effects of students' performance on teachers' and ... [8] The relationship between emotional intelligence, mental health and ... [9] Teaching for quality learning at ... [10] Comparative study of the relationship between emotional intelligence and ... [11] The relationship between emotional intelligence, time management and quality of life with academic achievement among college ... [12] Reschooling society: A ... [13] Assessing the quality of education: The partnership approach to deal with the challenges of higher education management system, non-governmental third ... [14] A comparison of changes in dental students' and ... [15] Academic achievement and emotional intelligence ... [16] UNESCO guidebook on textbook research and ... [17] Comparison of the proportion of the cognitive intelligence, creativity, and ... [18] The relationship between emotional intelligence and ... [19] the impact on improving the teaching skills of ... [20] Evaluation of the professional competence of teachers of ... [21] Quality assurance in higher education: A study of ... [22] Professional learning communities and ... [23] Evaluation of professional skills of ... [24] The results of the international study of ... [25] Comparative analysis of the effect of ... [26] Teacher professional standards, accountability, and ... [27] Between constructivism and ... [28] Competency disparity between pre-service teacher education and in-service teaching requirements in ... [29] Teachers' work: Beginning teachers' conceptions of ... [30] Learning style and asynchronous learning: Comparing the LASSI Model to class ...

*Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran

Correspondence
Address: Deputy of Education and Students, Islamic Azad University, Lamerd, Iran
Phone: +98 7152720103
Fax: +98 7152721232
hmd_hashemi@yahoo.com

Article History
Received: January 1, 2015
Accepted: March 8, 2015
ePublished: March 15, 2015

رابطه استفاده از مهارت‌های اساسی تدریس و بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان؛ دانشکده پرستاری لامرد

سیداحمد هاشمی[*] PhD

گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

چکیده

اهداف: گسترش مهارت‌های حرفه‌ای اساتید، عاملی محوری در بهبود عملکرد حرفه‌ای استادان و بازده آموزشی دانش‌آموزان به‌شمار می‌رود. هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین میزان استفاده از مهارت‌های اساسی تدریس و بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشکده پرستاری لامرد بود.

ابزار و روش‌ها: در این پژوهش توصیفی- همبستگی، کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشکده پرستاری دانشگاه دولتی لامرد در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ (۹۵ نفر) به‌روش سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته بود که روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفته بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات، با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، درصد تجمعی و نمودار) و روش‌های آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، T مستقل و تحلیل واریانس) انجام شد.

یافته‌ها: بین میزان استفاده از مهارت‌های اساسی تدریس و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشکده پرستاری رابطه معنی‌داری مشاهده شد (p=۰/۰۰۱). همچنین بین میزان استفاده از مهارت‌های پیش از تدریس، ضمن تدریس و بعد از تدریس و عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود داشت (p=۰/۰۰۱). نظرات دانشجویان ترم‌های مختلف در مورد میزان استفاده اساتید از مهارت‌های اساسی تدریس دارای تفاوت آماری معنی‌دار بود (p=۰/۰۰۱).

نتیجه‌گیری: با افزایش مهارت‌های اساسی تدریس اساتید، عملکرد تحصیلی دانشجویان بهبود می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های اساسی تدریس، عملکرد تحصیلی، دانشجویان پرستاری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۷

[*]نویسنده مسئول: hmd_hashemi@yahoo.com

مقدمه

کسب علوم و فنون پیچیده در سایه روش‌های آموزشی پیچیده امکان‌پذیر است. به این سبب، وظیفه و مسئولیت استاد امروز نسبت به گذشته سنگین‌تر و پیچیده‌تر شده است. دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی، جامعه و افراد آن را به‌سوی تحول پیچیده و پیشرفته سوق داد. در دنیای پیچیده، هیچ کسی بی‌نیاز از تعلیم و تربیت نیست. امروز فعالیت در مدرسه و در امر آموزش، خود بخش عظیمی از زندگی انسان‌ها شده است و دیگر نمی‌توان با طرز تلقی گذشته به شاگرد و تربیت او نگریست[1].

اولین گام برای موفقیت در کار استادی، ایمان به رسالت استاد و عشق‌ورزیدن به شاگردان است. ما استادان نمی‌توانیم به رسالت خود همچون کارهای دیگر نگاه کنیم. اگر ما به انسان‌هایی که ماه‌ها و سال‌ها با آنها سروکار داریم، علاقه‌مند نباشیم و نتوانیم با آنان ارتباط سالم برقرار کنیم، چگونه ممکن است در آنان تاثیر بگذاریم و موجب تغییر و تحولشان شویم؟ استاد باید از ویژگی‌های شخصیتی مطلوبی برخوردار باشد، زیرا شخصیت وی و علاقه و ایمانش از عوامل بسیار مهم و موثر در فرآیند آموزش است. استاد خوب در درجه اول باید انسان خوبی باشد. مگر نه اینکه وظیفه او همچون وظیفه انبیاست و مگر نه اینکه به بسیاری از بزرگان و مصلحان اجتماعی، صفت استادان و مربیان بزرگ داده‌اند؟ اگر انسان‌بودن و انسان‌دوستی در مرکز فعالیت‌های ما استادان قرار نگیرد، هرگز در کار خود موفق نخواهیم بود[2].

آموزش و تدریس به هر شکل که انجام گیرد، مبتنی بر یادگیری است. بدین لحاظ، وقتی در آموزش مدرسه‌ای از روش‌های تدریس سخن به‌میان می‌آید و استاد به‌دنبال آن است که بداند موضوع خاصی را چگونه باید تدریس کند، ناگزیر است به روان‌شناسی یادگیری و نظریه‌های آن مراجعه کند و نحوه یادگیری متناسب با هر یک از دانش‌آموزان را مورد مطالعه قرار دهد. این امر از آنجا ناشی می‌شود که روش تدریس تابع روش یا شیوه یادگیری است و از طرفی، توفیق برنامه‌های نظام آموزشی نیز وابسته به وجود استادانی است که از صلاحیت‌ها و مهارت‌های شغلی لازم برخوردار باشند[3].

آگاهی و تسلط استادان در مورد روش‌های تدریس و نحوه و شرایط استفاده از آن، تاثیر زیادی در موفقیت حرفه‌ای آنان دارد[4]. اگر روش تدریس انتخاب‌شده با اهداف توانایی فراگیران و محتوای دروس منطبق نباشد یا استاد مهارت‌های لازم برای استفاده از آن روش‌ها را به‌دست نیاورده باشد یا زمینه اجرای آن روش‌ها در کلاس فراهم نباشد، در این موارد استاد با شکست مواجه می‌شود و کیفیت تدریس او مناسب نخواهد بود. وظیفه استاد این است که با شناخت دانش‌آموزان و آگاهی از چگونگی کاربرد شیوه‌های مختلف تدریس مدل مناسبی برای تدریس انتخاب کند[5].

استاد اثربخش، صرفاً کسی نیست که به‌خوبی برنامه‌ریزی کند، بلکه فردی است که برنامه‌ای را به دانش‌آموزان ارایه دهد تا به‌طور منطقی یا تجربی به نتایج و برون‌دادهایی برسد که ارزشمند هستند. بدین ترتیب، گسترش توانمندی‌های حرفه‌ای، به‌عنوان عاملی محوری در بهبود عملکرد حرفه‌ای استادان و بازده‌های آموزشی دانش‌آموزان و نیز اصلی اساسی در تداوم‌بخشیدن به شرایط بهینه

آموزشی به‌شمار می‌رود[6]. عملکرد تحصیلی دانشجویان یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی آموزش و پرورش است و تمام تلاش‌های این نظام، در واقع برای جامه عمل پوشاندن به این امر است. به بیانی دیگر، جامعه و به‌طور ویژه آموزش عالی، نسبت به سرنوشت، رشد و تکامل موفقیت‌آمیز و جایگاه فرد در جامعه، علاقمند است و انتظار دارد فرد در جوانب گوناگون اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی و نیز در ابعاد شخصیتی، عاطفی و رفتاری، آنچنان‌که باید، پیشرفت کند و تعالی یابد. با توجه به اینکه میزان پیشرفت و اُفت تحصیلی یکی از معیارهای کارآیی نظام آموزشی است، بررسی متغیرهایی که بر عملکرد تحصیلی تاثیر می‌گذارند، به شناخت بهتر و پیش‌بینی متغیرهای موثرتری در نظام آموزشی می‌انجامد[7]. به‌عبارت دیگر، دانش‌آموزان باید بیاموزند که شخصاً یاد بگیرند، به آموختن خویش اعتماد کنند، خودبرانگیخته باشند و آموختن یا مطالعه‌شان را به کلاس و مطالب کلیشه‌ای مشخص محدود نکنند[8].

پژوهشگران متعددی معتقدند که یکی از مشکلات دانشگاه‌ها، بی‌توجهی به تدریس و کیفیت آن در مقابل فعالیت‌های پژوهشی است و در فرآیند انتخاب، استخدام و ارتقای استادان پژوهش بر تدریس ارجحیت دارد[9]. به همین دلیل پرورش افراد خلاق و متفکر و به‌قول *تافلر* "دانشوران و صاحبان اطلاعات سازمان‌یافته" از رسالت‌های عمده نظام‌های آموزشی جوامع است[10] و در این رابطه آموزش‌های دانشگاهی باید بتوانند سهم بسزایی در به‌تحقق‌رسیدن رسالت اصلی نظام آموزشی داشته باشند. در حقیقت، در عصر جهانی‌شدن اطلاعات، دانشجویان باید بیاموزند که به‌جای انباشت حقایق علمی در ذهن، چگونه بیندیشند، تصمیم بگیرند و درباره امور به‌درستی قضاوت کنند[11]. بنابراین، اهداف آموزشی و برنامه‌های درسی دانشگاهی باید به‌گونه‌ای انتخاب، طراحی و سازمان‌دهی شوند که دانشجویان بتوانند در فرآیند آموزش، بدون جهت‌دادن و به‌طور آزادانه و متفکرانه به کاوش بپردازند، آموخته‌های خود را تلفیق کنند و به‌سوی تعالی گام بردارند[12].

نشست متخصصان و دست‌اندرکاران آموزش عالی کشورهای آفریقایی در داکار، اهداف و نقش‌های اصلی آموزش عالی را جست‌وجوی حقیقت و توسعه دانش، ایفای نقش حیاتی و اساسی در حل مشکلات جامعه از جمله گرسنگی، فقر و بیماری، پرورش نیروی انسانی متخصص و افزایش درک بین‌المللی معرفی نموده است[13]. عملکرد تحصیلی مبنای قضاوت در ارتباط با توانایی‌های مثبت کسب‌شده توسط دانشجویان در طول دوره‌ای خاص است که در تمام دنیا در راس برنامه‌های توسعه آموزشی قرار دارد[14]. مساله عملکرد تحصیلی در دانشگاه از جمله مسایلی است که ذهن رهبران و مدیران جامعه و در نتیجه محققان را به خود جلب کرده است. اینکه چه عواملی بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانشجویان تاثیر می‌گذارد یا سهم و مشارکت هر عامل چه اندازه است، همواره مورد توجه بوده است[15].

با توجه به مطالب بیان‌شده می‌توان به ضرورت و اهمیت مهارت‌های تدریس اساتید و همچنین تاثیر مهارت‌های استادان بر عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پی برد. استادان در عصر جدید باید بدانند که مهارت‌های تدریس یک کار ساده و پیش‌پاافتاده نیست، بلکه نیازمند اطلاع و آگاهی و معلومات زیادی در زمینه آموزش مفاهیم و تدریس و روش‌های جدید آموزشی براساس الگوهای نوین تدریس و یادگیری طبق نظر روان‌شناسان است تا بتوانند از عهده مسئولیت عظیمی که در آموزش و تعلیم یک نسل و آینده جامعه دارند به‌خوبی برآیند[16]. بنابراین اگر نتایج این تحقیق نشان دهد که استادان مقطع متوسطه در مهارت‌های اساسی تدریس با همدیگر متفاوتند و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تحت تاثیر مهارت استادان است و استادانی که از مهارت بیشتر و بهتری در امر تدریس برخوردار هستند، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان آنها از بقیه دانش‌آموزان بهتر و موثرتر بوده می‌توان عنوان کرد که باید مهارت‌های تدریس اساتید جدی تلقی شود و برای کسب مهارت بیشتر اساتید در امر تدریس از هیچ کوششی دریغ نشود[17]. در این راستا هم جامعه و نهادهای ذی‌ربط و هم آموزش عالی وظیفه دارند نسبت به مهارت‌افزایی اساتید دانشگاه در امر خطیر تدریس از هیچ کوشش و تلاشی دریغ ننمایند تا بتوان به نتیجه مطلوب و عالی که همان عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانشجویان است دست یافت.

در خصوص موضوع این تحقیق تحقیقات دیگری نیز صورت گرفته است؛ *خفته‌دل* تحقیقی با عنوان مقایسه تاثیر روش تدریس همیاری با روش تدریس ۵ای بر پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی انجام داده و نشان داد که روش تدریس همیاری بر مهارت‌های اجتماعی و روش تدریس ۵ای بر پیشرفت تحصیلی تاثیر داشته و باعث افزایش یادگیری شده است[18].

حسن‌زاده و *معتمدی تلاوکی* تحقیقی با عنوان تاثیر مهارت استادان در به‌کارگیری الگوهای تدریس بر بهبود راهبردهای یادگیری و مطالعه انجام دادند. نتایج حاصل از اجرای آزمون‌های پارامتریک T مستقل و وابسته نشان می‌دهد که مهارت استادان گروه آزمایش در به‌کارگیری الگوهای تدریس به‌طور معنی‌داری بر بهبود راهبردهای یادگیری و مطالعه، راهبردهای شناختی و راهبردهای فراشناختی موثر بوده است[19].

نیکنامی و *کریمی* در بررسی صلاحیت‌های حرفه‌ای استادان دوره آموزش عمومی به‌منظور ارایه چارچوب مناسب، با روش توصیفی–پیمایشی نشان دادند که بین وضعیت موجود و مطلوب صلاحیت‌های استادان تفاوت وجود دارد و در کلیه مولفه‌های اصلی تفاوت معنی‌دار است. وضع موجود صلاحیت‌های استادان آموزش

عمومی نشان می‌دهد که در بُعد شخصیتی و اخلاقی در وضعیت بالاتر از متوسط قرار دارند، ولی در بُعد آموزشی، رفتاری- شناختی و مدیریتی در سطح متوسط و در مولفه‌های فناوری، توسعه حرفه‌ای، فکری و تدریس از وضعیت ضعیفی برخوردارند[20].

لیم تحقیقی با عنوان بررسی عوامل موثر بر اثربخشی تدریس از دیدگاه استادان انجام داد. براساس نتایج حاصله؛ ۱) پنج عامل مهارت‌های تدریس، تجارب استاد، دانش کلی تربیتی استاد، مهارت‌های ارتباطی استاد و دانش مربوط به محتوای موضوع درسی از دیدگاه دبیران شناسایی شدند، ۲) مولفه‌های شناسایی‌شده دارای اهمیت یکسانی نیستند، ۳) بین دیدگاه‌های استادان رشته‌های علوم تجربی، ریاضی و علوم انسانی در خصوص عوامل موثر بر تدریس اثربخش تفاوت وجود ندارد، ۴) بین استادان زن و مرد از نظر عوامل موثر بر اثربخشی تدریس تفاوت وجود دارد و ۵) عوامل موثر بر تدریس اثربخش از نظر استادان رشته‌های دبیری و غیردبیری با یکدیگر متفاوت نیست[21]. آموزش موثر استادان باید شامل ۱- ترغیب به مطالعه مجلات تخصصی و دوره‌ای مناسب استادان؛ ۲- شرکت در سخنرانی‌ها، کارگاه‌های آموزشی و کنفرانس‌ها؛ ۳- استفاده از نوارهای ویدیویی در زمینه روش‌های تدریس و سبک‌های یادگیری؛ ۴- استفاده موثر از اینترنت؛ ۵- خودارزیابی منظم اثربخشی آموزشی؛ و ۶- به اشتراک‌گذاری منظم تجارب و ایده‌های اعضای هیات علمی به‌صورت رسمی و غیررسمی باشد[22].

دانش‌پژوه در تحقیقی با عنوان ارزش‌یابی مهارت‌های حرفه‌ای استادان دوره ابتدایی نشان داد که مهارت عمومی استادان دوره ابتدایی از دید استادان (خودسنجی) و مشاهده‌گران از حداقل ملاک تعیین‌شده (۶۰٪ مهارت‌های عمومی) بالاتر است. اما میانگین مهارت‌های اختصاصی آنان با حد متوسط ملاک، تفاوت چندانی ندارد. سابقه تدریس و شرایط و امکانات فیزیکی کلاس درس از عوامل تاثیرگذار موفقیت استادان است. به‌طور کلی، روش تدریس استادان دوره راهنمایی بیشتر استادمحور بوده و آنان بیشتر از فنون سخنرانی و آموزش یک‌طرفه استفاده می‌کنند و نارسایی‌های زیادی در روش تدریسشان وجود دارد. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده این است که بیشتر استادان دوره ابتدایی از مهارت‌های حرفه‌ای لازم برخوردار نیستند. در این زمینه کاستی‌ها و نارسایی‌هایی وجود دارد که در ناکارآمدی آنان و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند[23]. *کریمی* نیز با توجه به یافته‌های مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن پرلز، در تحلیل نتایج، به لزوم تجدید نظر در فرآیند یاددهی- یادگیری، روش‌های تدریس و صلاحیت‌های حرفه‌ای استادان اشاره می‌کند[24].

فضلی و *جوادی* پژوهشی در مقایسه روش‌های تدریس فعال و غیرفعال انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که روش‌های تدریس فعال بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در سه حیطه شناختی، مهارتی و نگرشی درس اجتماعی موثر هستند[25].

تیناموتا پژوهشی در رابطه با استانداردهای حرفه‌ای استادان انجام داد. وی به توجه خاص برای ایجاد فرصت‌های یادگیری حرفه‌ای برای استادان تاکید می‌کند و بر این باور است که چنین فرصت‌هایی از طریق به‌چالش‌کشیدن و حمایت از استادان در دگرگون‌ساختن فرض‌های بنیادی آنها درباره چگونگی یادگیری دانش‌آموزان، ماهیت مطالب درسی، انتظارات از دانش‌آموزان و آنچه که آموزش را اثربخش می‌سازد، تغییرات اساسی و قابل ملاحظه‌ای را ایجاد می‌نماید. برنامه‌های گسترش مهارت‌های حرفه‌ای استادان به‌طور کلی جنبه‌های گوناگون دارند، از جمله؛ تمرکز بر دانش مربوط به موضوعات درسی، دانستن اینکه دانش‌آموزان چگونه موضوعات درسی را یاد بگیرند و چگونه محتوای آموزشی به‌شکلی معنی‌دار ارایه شود و راهنمایی‌های لازم صورت گیرد[26].

گوردن، در بررسی خود با این هدف که سهم آموزش برای کسب مهارت‌های تدریس مشخص شود، از طریق دادن آموزش‌های گوناگون به افراد تحت تعلیم در فضاهای آموزشی گوناگون به تحقیق پرداخت. آموزش روش‌های تدریس از طریق فیلم صورت گرفت و نتیجه‌گیری شد که آموزش به‌عنوان پیش‌شرط در تغییر مهارت‌ها باید منجر به فهم شود. همچنین پیشنهاد شده است که تداوم در تمرین در کسب مهارت‌های مطلوب کارساز است[27].

هونگ و همکاران در پژوهشی تحت عنوان اختلاف صلاحیت بین قبل از خدمت آموزش و پرورش استاد و ضمن خدمت مورد نیاز آموزش در تایوان، ضمن بررسی پنج مدل از برنامه‌های آموزش ضمن خدمت دریافتند که مثلاً مدل سنتی شامل عضویت و تحصیل در دانشکده‌ها و دانشگاه‌هاست و این موسسات فقط حامل تجارب یادگیری معین و کوتاه‌مدتی هستند. در مدل شبکه ارتباطی، افراد از نواحی و مدارس مختلف، مثل حلقه‌های زنجیر در ارایه اطلاعات به همدیگر متصل بوده و ارزیابی این مدل نشان می‌دهد که مدیران در شرایطی که در ارتباط با موضوع باشند بهتر یاد می‌گیرند، به‌خصوص اگر تمرکز برنامه‌های آنها بر نیازهای مدارس محلی و خود مدیران باشد. در این برنامه، مدیران مدارس با نظارت هماهنگ‌کننده برنامه در یک گروه ۶ الی ۱۰نفره هر ماه یک‌بار تحت آموزش به اجرای برنامه فوق می‌پرداختند. گروه به مدیران اجازه می‌داد تا مسئولیت پیشرفت یادگیری خود را به‌عهده بگیرند. مطالعات و بررسی پژوهشگران ضمن تایید روش فوق، آن را به دلایل گوناگون برای حمایت از مدیران و کمک به رشد حرفه‌ای آنان توصیه می‌کند[28]. *هانتلی* و *لومیس* نیز در مطالعات خود نتایج مشابهی را گزارش نمودند[29, 30].

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین استفاده از مهارت‌های اساسی تدریس و بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان پرستاری بود.

ابزار و روش‌ها

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نوع تحقیقات توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشکده پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بود که با توجه به آمار دریافتی از دانشکده تعداد آنها ۹۵ نفر بود. با توجه به محدودبودن جامعه آماری، برای ورود افراد به مطالعه از روش سرشماری استفاده شد و کلیه دانشجویان در پژوهش شرکت داده شدند.

ابزار پژوهش یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته برای سنجش عملکرد تحصیلی دانشجویان با توجه به معدل ترم آنها بود که روایی آن مورد تایید متخصصان قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۸ محاسبه شد. این پرسش‌نامه شامل ۲۶ سئوال بود و آزمودنی‌ها به هر ماده براساس مقیاس ۵گزینه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تاحدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم) پاسخ دادند.

برای بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، درصد تجمعی و نمودار) و روش‌های آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، T مستقل و تحلیل واریانس) مورد استفاده قرار گرفت؛ به این صورت که برای بررسی رابطه بین استفاده از مهارت‌های اساسی تدریس، مهارت‌های پیش از تدریس، مهارت‌های ضمن تدریس و مهارت‌های بعد از تدریس به‌عنوان متغیرهای مستقل و بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان به‌عنوان متغیر وابسته از ضریب همبستگی پیرسون، برای مقایسه نظرات دانشجویان ورودی‌های مختلف در مورد میزان استفاده استادان از مهارت‌های اساسی تدریس از آزمون تحلیل واریانس و برای مقایسه بین نظر دانشجویان دختر و پسر در مورد میزان استفاده استادان از مهارت‌های اساسی تدریس از آزمون Tمستقل استفاده شد.

یافته‌ها

۴۶ نفر از دانشجویان مورد مطالعه پسر و ۴۹ نفر دختر و همچنین ۲۵ نفر ورودی ۱۳۹۱، ۳۶ نفر ورودی ۱۳۹۲ و ۳۴ نفر ورودی ۱۳۹۳ بودند. مهارت‌های تدریس اساتید از دیدگاه دانشجویان با میانگین ۳/۰۵ بالاتر از حد متوسط بود و ۴۸/۷٪ دانشجویان دارای معدل بالاتر از میانگین دانشجویان بودند.

بین میزان استفاده از مهارت‌های اساسی تدریس و عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود داشت (r=۰/۳۰۵؛ p=۰/۰۰۱). همچنین بین میزان استفاده از مهارت‌های پیش از تدریس (r=۰/۲۵۸)، مهارت‌های ضمن تدریس (r=۰/۳۰۱) و مهارت‌های بعد از تدریس (r=۰/۲۴۰) با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه مستقیم و معنی‌داری مشاهده شد (p=۰/۰۰۱).

در مورد میزان استفاده استادان از مهارت‌های اساسی تدریس، بین نظر دانشجویان ورودی‌های مختلف تفاوت معنی‌دار وجود داشت (p=۰/۰۰۱)، اما بین نظر دانشجویان دختر (۲۱/۱۴±۹۳/۴۷) و پسر (۲۰/۳۳±۹۰/۰۳) در این مورد تفاوت معنی‌داری وجود نداشت (p=۰/۱۳۶).

بحث

نقش تربیتی و آموزشی استاد در ایجاد شرایط مطلوب برای تحقق هدف‌های آموزشی از اهمیت بسزایی برخوردار است که حتی می‌تواند نقص کتاب‌های درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند. در این فرآیند، ارتباط عاطفی مطلوب برای فراهم‌سازی محیط آموزشی فعال و تشکیل شرایط یادگیری مناسب ضروری است. آموزش موثر حاصل ترکیب مدیریت خوب کلاس، سازمان‌دهی، طراحی موثر و ویژگی‌های شخصیتی استاد است. ارایه مواد درسی به دانش‌آموزان در کلاس و فراهم‌کردن تجاربی برای آنان تا با مواد درسی ارتباط واقعی ایجاد کنند، حیاتی است. در کلاس درس، هر یک از دانش‌آموزان در محیط مثبت کلاس که حمایت‌کننده، چالش‌برانگیز و پرورش‌دهنده اهداف آموزش است و در اثر مهارت‌های مناسب در تدریس، به اهداف درسی نایل می‌شوند.

طبق نتایج حاصل از بررسی داده‌های تحقیق، بین میزان استفاده از مهارت‌های اساسی تدریس و عملکرد تحصیلی دانشجویان رشته پرستاری رابطه معنی‌داری مشاهده شد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که با افزایش مهارت‌های اساسی تدریس اساتید، عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشکده پرستاری بهتر شده و با کاهش مهارت‌های تدریس اساتید، عملکرد تحصیلی دانشجویان روند نزولی پیدا خواهد کرد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های *حسن‌زاده* و *معتمدی تلاوکی*[19]، *مهاجری* و *شریف*[2]، *رحمانی*[7] و *گوردن*[27] در زمینه تاثیر مهارت‌های تدریس استادان بر عملکرد تحصیلی همسو است.

از دیرباز، بسیاری بر این عقیده بودند که اگر کسی چیزی را بداند می‌تواند آن را به دیگران انتقال دهد؛ یعنی شرط اساسی تدریس داشتن معلومات پنداشته می‌شد. امروزه دانشمندان عرصه آموزش و پرورش بر این اعتقاد و باور هستند که تنها داشتن معلومات برای تدریس کافی نیست، بلکه شرایط دیگری نیز وجود دارد که باید به آن توجه عمیق و بنیادی مبذول شود. هر چند تخصص در رشته و داشتن معلومات یکی از ارکان مهم تدریس محسوب می‌شود، ولی بهتر است آموزگاران با یک سری مهارت‌ها آشنایی داشته باشند که آن در واقع، نشان‌دهنده مهارت استاد در تدریس است.

همچنین طبق نتایج حاصله، بین میزان استفاده از مهارت‌های پیش از تدریس، ضمن تدریس و بعد از تدریس با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه معنی‌دار وجود داشت. در تبیین این یافته می‌توان گفت که با افزایش میزان استفاده اساتید از این مهارت‌ها، عملکرد تحصیلی دانشجویان بهبود پیدا خواهد کرد و با کاهش میزان استفاده اساتید از آنها، عملکرد تحصیلی دانشجویان روند نزولی

خواهد یافت. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های *حسن‌زاده* و *معتمدی تلاوکی*[19]، *رحمانی*[7] و *گوردن*[27] در زمینه تاثیر مهارت‌های تدریس استادان بر عملکرد تحصیلی همسو است. بنابراین با توجه به مطالب گفته‌شده، طراحی آموزشی و تحلیل موارد سه‌گانه (محتوی، ابزار و روش) از جمله مهارت‌های پیش از تدریس است که با استفاده از روش مناسب و بهره‌گیری از طرح درسی که پیش از کلاس نگاشته شده است و با خلاقیت‌های خاص و گاه منحصربه‌فرد برخی از اساتید این مرحله به‌خوبی صورت می‌گیرد.

در فعالیت‌های آموزشی ضمن تدریس، استاد با روش‌ها و امکانات موجود، شرایط تغییر رفتار شاگردان را فراهم می‌کند. یکی از این روش‌ها، آماده‌سازی است که استاد از طریق آن می‌کوشد ارتباط معنی‌داری بین تجارب پیشین فراگیران و نیازهای آنها با اهداف آموزشی ایجاد کند. استاد با ایجاد تمرکز عمومی و ایجاد علاقه و انگیزه برای فراگیران نسبت به مطلب آموزشی و نیز ایجاد کنجکاوی با طرح سئوالاتی که احتمال می‌رود دانشجو نسبت به آنها آگاهی نداشته باشد، می‌تواند کلاس را آماده درس جدید کند. برقراری انضباط در کلاس نیز در این بخش مطرح می‌شود که با رفع علل بی‌انضباطی می‌توان آن را ایجاد کرد، چه عواملی که ناشی از رفتار استاد است و چه مواردی که مربوط به فراگیران است.

وقتی سخن از فعالیت‌های آموزشی بعد از تدریس مانند امتحان و ارزش‌یابی به‌میان می‌آید، نوعی غرور در شخصیت استاد و نگرانی و اضطراب در چهره شاگردان به‌وضوح مشاهده می‌شود. مفاهیم مختلف ارزش‌یابی، در اغلب مواقع، قبول یا ردشدن را تداعی می‌کند. به‌علت طرز تلقی و عملکرد غلط بسیاری از استادان، امتحان و ارزش‌یابی مانند غولی وحشتناک در سراسر نظام آموزشی جامعه ما سایه افکنده است. استاد همواره از امتحان و ارزش‌یابی به‌عنوان یک ابزار قدرت استفاده می‌کند و با ایجاد زمینه‌های نامطلوب آموزشی نوعی نگرانی و وحشت از امتحان را در اذهان شاگردان ایجاد می‌نماید، در حالی که امتحان و ارزش‌یابی همچون فعالیت‌های دیگر آموزشی است و مشخص می‌سازد که استاد و فراگیر تا چه حد به هدف‌های آموزشی نایل شده‌اند.

همچنین بین نظر دانشجویان ورودی‌های مختلف در مورد میزان استفاده استادان از مهارت‌های اساسی تدریس تفاوت معنی‌داری مشاهده شد که این یافته با نتایج پژوهش *رحمانی*[7] در این زمینه همسو است. اما بین نظر دانشجویان دختر و پسر در مورد میزان استفاده استادان از مهارت‌های اساسی تدریس تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد که این یافته با نتایج پژوهش *حسن‌زاده* و *معتمدی تلاوکی*[19] در این زمینه همخوانی دارد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به میزان آشنایی نمونه آماری با ابعاد و مولفه‌ها و میزان دقت آنها در تکمیل پرسش‌نامه اشاره نمود. یکی از مهارت‌های اساسی تدریس، مهارت ضمن تدریس است که باید استادان در حین تدریس عوامل مخل در کلاس که مانع تمرکز فراگیران می‌شود را از بین ببرند و لازمه این کار شناخت آن عوامل است. از جمله مواردی که باعث ایجاد اختلال در تدریس و مشکل در یادگیری دانشجویان می‌شود، عدم تعادل در حرکت‌های استاد و گاه استفاده نابجا و ناموزون از دست‌ها و اشکال در صدای استاد است که در جاذبه کلاس و ایجاد تمرکز نقش مهمی دارد؛ مثلاً صدای خشن و بیش از اندازه بلند یا کوتاه و نامفهوم یا یکنواخت و کسل‌کننده از موانع تمرکزبخشی است. لذا پیشنهاد می‌شود استاد با تغییر نوع تکلم یا آهنگ صدای خود ارتباطی دوستانه و محبت‌آمیز با فراگیران داشته باشد و از آشفتگی کلاس ممانعت کند. عدم تنوع در برقراری رابطه در کلاس و استفاده از رفتارها و سخن‌های کلیشه‌ای و همچنین عدم استفاده از حواس دیگر دانش‌پژوهان، غیر از چشم و گوش به‌تناسب موضوع آموزشی و به‌کاربردن تکیه‌کلام‌های آزاردهنده یا داشتن حالت‌هایی مثل تیک عصبی در فاصله‌ای کوتاه یا تکرار یک رفتار باعث می‌شود که تدریس، رشد مناسبی نداشته و در یادگیری دانشجویان و پیشرفت تحصیلی آنان تغییرات اساسی ایجاد نشود.

نتیجه‌گیری

با افزایش مهارت‌های اساسی تدریس اساتید، عملکرد تحصیلی دانشجویان بهبود می‌یابد.

تشکر و قدردانی: از ریاست و مسئولان محترم دانشکده پرستاری شهر لامرد به دلیل همکاری صمیمانه نهایت تشکر و قدردانی را داریم.

تاییدیه اخلاقی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع مالی: پژوهش حاضر با پشتیبانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد انجام شده است.

منابع

1- Khodaie E. The impact of the family's social and cultural capital on the students' achievement in the nationwide entrance examination for higher education in Iran. J High Educ. 2009;1(4):65-84. [Persian]

2- Mohajeri M, Sharif M. The relationship between primary school teachers' professional ability and academic performance of students in the city of Isfahan. N Educ Approach. 2012;7(1):27-48. [Persian]

3- Chung BG, Ehrhart MG, Ehrhart KH, Hattrup K, Solamon J. Stereotype threat, state anxiety, and specific self-efficacy as predictors of promotion exam performance. Group Organ Manag. 2010;35(1):77-107.

4- Green JA, Azevedo R. A theoretical review of wine and had wins model of self–regulated learning: New perspectives and directions. J Rev Educ Res. 2007;77(3):334-72.

5- Nasr Esfahani A. School-based curriculum: Bases, challenges and perspectives. Isfahan Univ Res J. 2002:14(2):207-26. [Persian]
6- Bong M. Academic motivation in self-efficacy, task value, achievement Goal Orientations, and attributional beliefs. J Educ Res. 2004:97(6):287-98.
7- Beckman L. Effects of students' performance on teachers' and observers' attributions of causality. J Educ Psychol. 1970;61(1):76-82.
8- Hasan Tehrani T, Karami Kabir N, Cheraghi F, Bekaian M, Yaghoubi Y. The relationship between emotional intelligence, mental health and academic achievement in Neyshabour nursing students. Nasim-e-Danesh. 2012;20(3):35-42.
9- Biggs J, Tang C. Teaching for quality learning at university (Society for Research Into Higher Education) [Internet]. Bristol: Citeulike [Published 2007, Nov 1; Cited 2014, Nov 27]. Available from: http://www.citeulike.org/group/4810/article/3680928
10- Hadadi Kouhsar AA, Roshan R, Asgharnejad Farid AA. Comparative study of the relationship between emotional intelligence and mental health and academic achievement in students of martyrs' families and non-martyrs' families of Tehran University. J Psychol Educ. 2007;37(1):73-97. [Persian]
11- Yeganeh T, Soltanishal R, Kafee M, Hosseinkhanzadeh A. The relationship between emotional intelligence, time management and quality of life with academic achievement among college students. J Rafsanjan Univ Med Sci. 2013;12(3):219-32.
12- MacDonald JB, Wolfson BJ, Zaret E. Reschooling society: A conceptual model. Washington DC: Association for Supervision and Curriculum Development; 1973.
13- Pazargadi M, Sattari S. Assessing the quality of education: The partnership approach to deal with the challenges of higher education management system, non-governmental third millennium. J Educ. 2008;5(17):1-23.
14- Lindemann R, Duek JL, Wilkerson LA. A comparison of changes in dental students' and medical students' approaches to learning during professional training. Euro J Dent Educ. 2001;5(4):162-7.
15- Salehi S, Taleghani F, Afghari P, Moghadasi M. Academic achievement and emotional intelligence among undergraduate nursing students of Isfahan University of Medical Sciences. Iran J Med Educ. 2012;12(8):629-37. [Persian]
16- Pingel F. UNESCO guidebook on textbook research and textbook revision. Paris: UNESCO; 2010.
17- Sharifi N, Ganji H, Hashemian K, Najafizand J. Comparison of the proportion of the cognitive intelligence, creativity, and emotional intelligence in predicting the academic achievement at different educational stages. J Modern Indust Organ Psychol. 2011;2(6):55-78. [Persian]
18- Talebzadeh Nobarian M, Norouzi AA. The relationship between emotional intelligence and metacognitive awareness of reading strategies and academic performance of Shahid Beheshti University, Department of Educational Sciences' students. J N Approach Educ Administ.2011:2(2):1-22. [Persian]
19- Hassanzadeh R, Motamedi Talavaki MT. the impact on improving the teaching skills of teachers in the use of learning strategies and study patterns of students. Educ Lead Manag. 2012;6(1):41-70. [Persian]
20- Niknami M, Karimi F. Evaluation of the professional competence of teachers of general education courses. Res Educ Curriculum. 2009;23:1-22. [Persian]
21- Lim D. Quality assurance in higher education: A study of developing countries. London: Ashgate; 2001.
22- Harris A, Jones M. Professional learning communities and system improvement. Improv Sch. 2010;13(2):172-81.
23- Daneshpajouh Z, Farzad V. Evaluation of professional skills of primary school teachers. J Educ Innov. 2006;18(5):135-70. [Persian]
24- Karimi A. The results of the international study of reading literacy achievement. J Educ. Available from: http://sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/75013848101.pdf
25- Fazli R. Comparative analysis of the effect of active and inactive teaching methods on students' progress in social sciences lesson. J Educ. 2004;78:32-7.
26- Tuinamuana K. Teacher professional standards, accountability, and ideology: Alternative discourses. Aust J Teach Educ. 2011;36(12):72-82.
27- Gordon M. Between constructivism and connectedness. J Teach Educ. 2008;59(4):322-31.
28- Hong JC, Horng JSh, Lin ChL, ChanLin LJ. Competency disparity between pre-service teacher education and in-service teaching requirements in Taiwan. Int J Educ Dev. 2008;28(1):4-20.
29- Huntley H. Teachers' work: Beginning teachers' conceptions of competence. Australian Educ Res. 2008;35(1):125-45.
30- Loomis KD. Learning style and asynchronous learning: Comparing the LASSI Model to class performance. JALN. 200;4(1):23-32.